

## در مورد وبلاگ‌نویسان

بسمه تعالی

شماره ۴۳۳۳-۸۳

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۵

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

در ارتباط با نامه آقای مزروعی به جناب‌عالی در خصوص وضعیت بازداشت فرزندش آقای حنیف مزروعی که فرموده بودید موضوع در هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد و نیز نامه آقای احمد محمدبیگلو در شرح ماجرای بازداشت و رفتارهایی که با همسرش خانم فرشته قاضی صورت گرفته که رونوشت آن برای هیأت ارسال شده (البته قبلاً اصل این نامه تحویل هیأت شده بود) و حضور جمعی از وبلاگ‌نویسان و مرتبطین با سایت‌ها که برای تظلم و شرح آنچه در جریان دستگیری و دوران بازداشت بر آن‌ها رفته اجمالاً نکاتی را جهت اطلاع و هر گونه اقدامی که مصلحت می‌دانید به استحضارتان می‌رساند:

۱- روز شنبه ۸۳/۱۰/۵ آقایان: مسعود قریشی، آرش نادرپور، حنیف مزروعی و خانم‌ها: محبوبه عباسقلی‌زاده و فرشته قاضی به اتفاق همسرش احمد محمدبیگلو و در روز شنبه ۸۳/۱۰/۱۲ آقایان: روزبه میرابراهیمی به اتفاق خانمش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور یافتند و مطالبی در خصوص نوع احضار، دستگیری، بازداشت، نوع اتهامات و بازجویی و نوع رفتار در دوران بازداشت و حتی پس از آزادی با وثیقه ابراز داشتند که حتی اگر همه آن اظهارات هم ثابت نشود و قسمتی از آن‌ها درست باشد بسیار متأثرکننده، تأمل‌برانگیز و بر هر کس که در نظام جمهوری اسلامی ایران مسؤولیتی به عهده دارد، این تکلیف را ایجاد می‌کند که تلاش و اقدامی جدی به عمل آورد و جملگی مشمول آیه شریفه: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» قرار خواهند

GD000424

داشت.

۲- خلاصه و عمده اظهارات پنج نفری که روز شنبه ۸۳/۱۰/۵ در جلسه هیأت حضور یافتند بدین شرح بود:

الف: برخی تا ۹۵ و بعضی تا ۳۰ روز در بازداشت بودند که قسمت عمده مدت بازداشت آن‌ها در سلول انفرادی بدون هواخوری و یا به مدت بسیار کم در بازداشتگاهی ناشناخته که از روی قرائن احتمال می‌دادند بازداشتگاهی در حوالی میدان کتابی و مربوط به اطلاعات ناجا باشد. عموماً ابتدا به اداره اماکن نیروی انتظامی در خیابان استاد مطهری برده شده و بعد از آن‌جا با چشم بسته آن‌ها را به بازداشتگاه برده‌اند.

بسیاری از اوقات بازجویی با چشمان بسته و رو به دیوار بدون این که بازجو را ببینند انجام می‌شده است.

ب: عموماً از بدرفتاری بازجوها، فحش و به کار بردن الفاظ رکیک و کتک خوردن شکایت داشتند از بین این ۵ نفر خانم عباسقلی‌زاده اظهار داشت من کتک نخوردم ولی تهدید شدم.

ج: عموماً اظهار می‌داشتند پس از بازداشت اولین سؤالی که در مقام بازجویی و به عنوان متهم از آن‌ها می‌شد این که کلیه روابط نامشروع و کارهای خلافی را که انجام داده‌اند بنویسند و حتی گاه افراد خاصی را اسم می‌بردند که با این افراد رابطه نامشروع داشتی و باید مشروحاً آن را توضیح دهی و با انواع تهدیدها و گاه فشارهای فیزیکی و اشاره به اعترافات دیگران، می‌خواستند که به هر نحوی شده ارتباط نامشروع خود را تشریح نموده و بنویسند. اظهارات خانم فرشته قاضی که تازه ازدواج کرده در حضور همسرش و اعضاء هیأت در تشریح اعترافات یکی دیگر از متهمان دائر بر داشتن رابطه نامشروع و همچنین اظهارات خانم عباسقلی‌زاده در خصوص مواجهه دادن او با یکی دیگر از متهمان برای اثبات داشتن رابطه نامشروع به گونه‌ای بود که تأثر توأم با نفرت همه اعضاء هیأت را برانگیخت. این اظهارات توسط آقایان روزبه میرابراهیمی و امید معماریان که طرف‌های اعتراف و مواجهه آن روابط نامشروع بودند در جلسه روز شنبه

۸۳/۱۰/۱۲ تأیید شد. به راستی اگر این اظهارات دروغ نباشد و فکر اساسی برای علاج ریشه‌ای این نوع برخوردها در نظام قضایی، امنیتی و بازجویی‌های مربوطه نشود، باید گفت و علی‌السلام‌السلام...

د: از جمله کارهای متداولی که در جریان بازجویی آن‌ها صورت می‌گرفته، درخواست تک‌نویسی از آن‌هاست یعنی لیست اسامی افرادی عمدتاً از فعالین سیاسی را به آن‌ها می‌دادند و می‌گفتند هر چه می‌دانید در مورد آن‌ها بنویسید و از جمله روابط خود را با آن‌ها شرح دهید و خلاف‌کاری‌ها و فعالیت‌های آنان را مشروحاً بنویسید. هر پس از فراغت از تثبیت اتهامات اخلاقی و به گفته متهمان شکستن و خرد کردن شخصیت آن‌ها، به اتهامات سیاسی پرداخته و اتهاماتی از قبیل اقدام علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا معاونت در آن و امثال آن‌ها پرداختند.

۳- روز سه‌شنبه ۸۳/۱۰/۸ حدود ظهر در حالی که مشغول تنظیم یادداشت‌های جلسه شنبه ۸۳/۱۰/۵ برای ارسال به جناب‌عالی بودم آقای مرتضوی دادستان تهران زنگ زد و گفت: از مجموعه شما یعنی هیأت پیگیری شکایت شده و پرونده‌ای تشکیل شده است نزد آقای حسینی بازپرس گفتم: چه شکایتی از هیأت شده گفت: انتشار اظهارات متهمانی که در هیأت حضور یافتند به وسیله آقای ابطی در سایت خود. و می‌دانید نشر این مسایل قبل از آن‌که در مورد صحت و سقم آن‌ها تحقیق شود جرم است و توضیحاتی در مورد غیرقابل قبول بودن اظهارات خانم قاضی که مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بینی‌اش شکسته داد. و نیز گفت: شکایتی هم از هیأت به کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی از سوی متهمان دیگری که افشاگری کردند و در روزنامه و تلویزیون، مطالب را بازگو نمودند مطرح شده است و هم‌اکنون گفته می‌شود هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی همانند کمیسیون اصل ۹۰ زمان آقای انصاری راد شده است و به هر حال گفت شما باید آن دسته دیگر از متهمان یعنی آقایان: میرابراهیمی، امید معماریان، شهرام رفیع‌زاده و جواد تمیمی را نیز دعوت کنید در هیأت حضور پیدا کنند و اظهارات آن‌ها را هم استماع کنید. اسامی فوق را گفت یادداشت کنید و مؤکداً خواست که دعوت شوند. بنده هم گفتم شما به آن‌ها اطلاع بدهید ما آماده پذیرش

آن‌ها در جلسه هیأت و استماع اظهاراتشان هستیم، همان موقع آقای شوشتری وزیر دادگستری و عضو هیأت نیز زنگ زد و اظهار داشت مرا به مجلس احضار کردند تا راجع به مطالبی که در سایت آقای ابطحی انتشار یافته توضیح بدهم و به هر حال ایشان هم معتقد و موافق حضور متهمان معرفی شده از سوی آقای مرتضوی و استماع اظهارات آن‌ها بودند.

۴- روز شنبه ۱۲/۱۰/۸۳ آقایان روزبه میرابراهیمی به اتفاق همسرش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور پیدا کردند و گفتند دو نفر دیگر حضور ندارند و موفق نشدند امروز بیایند.

برخلاف انتظار و تصویری که برای همه وجود داشت هر دو نفر از لحظه ورود مطالبی نظیر آن‌چه گروه قبلی گفته بودند در ارتباط با دستگیری و نوع رفتار با خود با التهاب بیشتری بیان داشتند مخصوصاً آقای معماریان با حالتی عصبانی و پرخاشگر و گاه توأم با گریه وضع خود را در جریان دوران بازداشت بیان می‌کرد. می‌گفتند پس از حضور گروه قبلی در هیأت و مطرح شدن اظهارات آن‌ها ما را به دفتر دادستانی خواستند و به ما گفتند این هیأت یک هیأت خود خوانده است و اعتباری ندارد شما مطلبی را بنویسید برای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و در آن‌جا حاضر شوید و مطالب را بگویید و برای حضور در جلسه این هیأت نیز از ما خواسته شد که قبل از آمدن به هیأت حتماً به دادستانی برویم و با آقای مرتضوی ملاقات داشته باشیم که ما نرفتیم. به هر حال هر دو نفر اظهار می‌داشتند آن‌چه حنیف مزروعی و بقیه افراد جلسه اول از وجود فشارها و توهین و ایراد ضرب و مخصوصاً مطرح کردن مسایل اخلاقی در درجه اول گفتند صحیح است و بر ما نیز همان ترتیب صورت گرفته است. آقای میرابراهیمی مسأله اعتراف گرفتن از او برای داشتن رابطه نامشروع با خانم فرشته قاضی را تأیید کرد و آقای معماریان نیز مواجهه دادن و اعتراف کردن در مواجهه با خانم عباسقلی‌زاده به داشتن رابطه نامشروع با او را تأیید نمود و بد نیست بدانید هم خانم عباسقلی‌زاده با همه اعتماد به نفس و غروری که داشت وقتی ماجرای مواجهه‌اش با معماریان و اعتراف معماریان را نقل می‌کرد که البته می‌گفت احساسم این بود که تحت فشار این اعتراف را می‌کند، اشک در چشمانش جمع شد و گفت چگونه برای من یک زن

۴۶ ساله که بچه‌هایم دیگر به سن و سال معماریان هستند این مسایل را مطرح می‌کنند و هم آقای معماریان با عصبانیت و التهاب و حالت گریه این وضعیت را مطرح می‌کرد. آقای معماریان برای تشریح نوع فشارها به خصوص توهین و الفاظ بسیار زشت و رکیکی که در بیان اتهامات اخلاقی و اعتراف‌گیری از آن‌ها در بازجویی به کار می‌رفته و ترسیم آن فضا که برای درهم شکستن شخصیت آن‌ها بوده درخواست کرد چند دقیقه‌ای خانم آقای میرابراهیمی که در جلسه حضور داشت خارج شود تا بتواند گوشه‌ای از آن نوع اظهارات و برخوردها را بیان کند که طبعاً ادب اقتضا نمی‌کند آن بیانات در این نوشته منعکس شود.

۵- به هر صورت نکته مهم و قابل ذکر دیگر این که دو نفر فوق مدعی بودند آنچه تحت عنوان افشاگری و بیان حقایق پس از آزاد شدن از زندان در روزنامه‌ها نوشتند و یا در تلویزیون گفتند تحت فشار بوده و به خاطر ترس از بازگشت به آن وضعیت مخوف سابق بوده است، می‌گفتند از وقتی آزاد شدیم مرتباً هر روز یا دو روز یک بار تماس می‌گیرند و یا احضارمان می‌کنند. آقای میرابراهیمی می‌گفت یک یا دو روز پس از آزاد شدن، بازجوییم با من تماس گرفت و قرار گذاشت در محلی او را ببینم در آن محل حاضر شدم راجع به نوشتن نامه و انتشار آن با من صحبت کرد و گفت آزاد شدن معماریان که آن موقع هنوز زندان بود موکول به انتشار این نامه از سوی شماس است که آن متن را تهیه کردم و در روزنامه‌ها منتشر شد.

به هر حال مدعی بودند فشارها و تهدیدها و توهین‌ها و وضعیت خاصی که در آن محیط بسته ناشناخته برای آن‌ها به وجود آمده بود و ادارشان کرد که اعترافات دروغین علیه خود و دیگران به ویژه در زمینه مسایل اخلاقی بنمایند.

۶- نکته قابل توجه جو بی‌اعتمادی است که در این زمینه برای همه و مخصوصاً برای این افراد به وجود آمده و به همه چیز و همه کس با دید تردید و بی‌اعتمادی و ابهام در آنچه در آینده پیش خواهد آمد و ترس از سرنوشت نامعلوم خود می‌نگرند که گمان می‌کنم این بی‌اعتمادی به دیگران هم سرایت کرده و امر خطرناکی است که باید برای آن چاره اندیشید.

۷- جناب آقای رییس‌جمهور گزارش اجمالی دو ملاقات حضورتان داده شد وقت

جناب عالی را با تشریح جزئیات بیشتر نمی‌گیریم، علی‌الظاهر هیأت دیگری را که قاعدتاً توان و اختیار بیشتری دارد مأمور فرمودید در ارتباط با این اظهارات و این وقایع تحقیق کنند. امید است این توفیق را داشته باشند که حقیقت را کشف نمایند، اگر حتی قسمتی از آن اظهارات که نظایر آن از سوی افراد دیگر و در موارد دیگر نیز بارها اظهار شده، درست باشد، حقیقتاً کلام مولانا در نهج‌البلاغه مصداق خواهد داشت که «لَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ بَعْدَ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِ مَلُوماً» و به هر حال نشان‌دهنده روند خطرناکی در نظام تعقیب و پیگیری جرم و مجرم و نظام دادرسی است که با اصول قانون اساسی و مبنای اسلامی آن مغایرت آشکار دارد. و عزم جزم همه مسئولان تصمیم‌گیر را که به حفظ ارزش‌های واقعی نظام جمهوری اسلامی ایران و نه صرفاً حفظ ظاهری آن احساس وظیفه جدی می‌کنند برای علاج واقعه و جبران و اصلاح روش‌ها می‌طلبید.

در عین حال لازم به یادآوری است که حسب ادعاهای مطرح شده بسیاری از این اقدامات نادرست انجام شده در اداره اماکن و اطلاعات ناجا و بازداشتگاه‌های متعلق به نیروی انتظامی صورت گرفته است و طبق قانون نیروی انتظامی وابسته به وزارت کشور است. اگر صلاح بدانید سزاوار است از وزیر کشور خود نیز بخواهید در ارتباط با ادعاهای مطرح شده توسط زیرمجموعه خود و به ویژه بازداشتگاه‌های اختصاصی و غیررسمی گزارش کاملی خدمت شما ارائه دهد.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱۳۹/۱ب/۸۳

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۶

ریاست محترم هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی

جناب آقای دکتر مهرپور

سلام علیکم؛

احتراماً با عنایت به شکایت معاونت اطلاعات نیروی انتظامی در پرونده کلاسه ۱۳۹/۱ب/۸۳ که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد و با توجه به این که به موجب اعلام شکایت این نیرو در تاریخ ۸۳/۱۰/۶ موضوع ادعای آقای عیسی سحرخیز در مصاحبه با رادیو آلمان مبنی بر ایراد ضرب و شتم خانم فرشته قاضی منجر به شکستگی بینی توسط مأمورین نیروی انتظامی و با عنایت به این که مضمون همین مطلب به نقل از جلسه هیأت مذکور در سایت شخصی آقای محمدعلی ابطی منعکس و مورد شکایت قرار گرفته و ذیل خبر از طرف آقای ابطی نقل گردیده که جناب عالی به عنوان رییس جلسه فرمودید که مصوب نشده که اظهارات اولیه متهمین منتشر نشود و این جمله به عنوان جواز انتشار مطالب مذکور قلمداد شده است بناءً علیهذا با توجه به این که مطالب منعکس شده از جلسه آن هیأت محترم پیرامون اظهارات خانم فرشته قاضی مبنی بر این که بینی ایشان در اثر شکنجه مأموران نیروی انتظامی مصدوم و شکسته شده است (در سایت شخصی آقای ابطی) خوراک رادیوهای بیگانه و ضدانقلاب خارج از کشور شده است و پس از اعلام شکایت نیروی انتظامی و هدایت و معرفی خانم فرشته قاضی به پزشکی قانونی و انجام بررسی و معاینات لازم توسط پزشکی قانونی تهران به موجب اظهار نظر کتبی و رسمی به شماره ۱/۱/۸۸۸-م/۱۰/۱۵-۸۳ که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد ادعای خانم فرشته قاضی کذب و عاری از حقیقت اعلام گردیده است لذا با ارسال تصویری از نظریه پزشکی قانونی و اظهارات سایر متهمین مورد بحث که به عنوان گواه در این شعبه بازپرسی حاضر و از آن‌ها تحقیق شده شایسته است ضمن توجه به مجموع مدارک و مستندات موجود ترتیبی اتخاذ نمایید تا آقای ابطی

مغایر با مفاد ماده ۱۸۸ آیین دادرسی کیفری عمل ننماید و در خصوص ادعای مجوز اخذ شده از جناب عالی (به نقل از سایت شخصی آقای ابطحی که متعاقباً مورد استناد و توجه بسیاری از رسانه‌های ضدانقلاب قرار گرفته است) پاسخ لازم جهت اتخاذ تصمیم پیرامون شکایت نیروی انتظامی ارایه گردد.

در پایان با توجه به این که آقای محمدعلی ابطحی در روزنامه‌های صبح امروز اعلام نموده‌اند که نظریه و گزارش هیأت محترم نظارت و پیگیری قانون اساسی در این رابطه خطاب به ریاست محترم جمهوری ارسال گردیده است تعجیل در این امر و عدم رؤیت و اخذ نظریه پزشکی قانونی و عدم توجه به تحقیقات علمی جهت احراز صحت و سقم ادعای افراد و اتکاء صرف به اظهارات متهم در صورت صحت اظهارات آقای ابطحی در شأن و جایگاه آن هیأت محترم نیست.

بازپرس شعبه اول دادسرای کارکنان دولت

حسینی



شماره ۶/۱۳/۱۱۳/۲۴۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۶

به: دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران

از: معاونت اطلاعات ناجا

سلام علیکم

احتراماً، به استحضار می‌رساند متهمین سایت‌های غیرقانونی اینترنتی از جمله سایت امروز که در انتشار مطالب خلاف واقع و توهین و اهانت به مسئولیت طراز اول نظام از رادیوها و رسانه‌های ضدانقلاب نیز سبقت گرفته بودند پس از تلاش فراوان مأموران دلسوز و صدیق، شناسایی و با حکم مرجع قضایی دستگیر و بازداشت شدند از آنجایی که اکثر این متهمین پرسنل فعال و گرداننده سایت غیرقانونی امروز بودند - که کمیته تعیین مصادیق نیز بر غیرمجاز بودن فعالیت این سایت اعلام نظر نموده - اما علیرغم اطلاع از غیرقانونی بودن سایت مذکور همکاری و فعالیت مجرمانه خود را ادامه می‌دادند، نامبردگان در مراحل مختلف تحقیقات با تفهیم اتهامات و رؤیت اسناد و مدارک از تخلفات گذشته خود اظهار ندامت نموده و با شرح و تفصیل نحوه جذب و اغفال خود و همچنین اشتباهات انجام شده توسط خود را ناشی از فریب خوردن از سوی افرادی دانستند که مشخصات آن در پرونده منعکس است متهمین مذکور در اعترافات و نوشته‌های خود در طول تحقیق از تهیه و تنظیم مطالب کذب و خلاف واقع علیه نظام و نهادهای حافظ امنیت با شرح و تفصیل و دلیل یاد نمودند که آنها را پس از تهیه برای سایت امروز ارسال کرده‌اند متهمین مذکور ضمن اظهار ندامت و پشیمانی از دستگاه قضایی تقاضا کردند با پذیرش توبه و ندامت و تعهد جبران خطاهای گذشته مشمول رأفت اسلامی شوند لذا متهمین پس از معرفی به دادرسی، نزد دادیار محترم نیز همین مطالب را تکرار و جملگی جرایم ارتكابی و اقدامات مجرمانه خود علیه کلیت نظام و مسئولین کشور را تأیید و بیان مجدد نمودند. این متهمین با سپردن وثیقه و تأمین قانونی پس از آزادی رفتارهای متفاوتی در رسانه‌های جمعی داشتند، ابتدا حنیف

مزروعی با تحریک پدرش مطالبی را به دروغ به مأمورین نیروی انتظامی نسبت داد که سایر متهمین از جمله آقایان جواد غلام تمیمی، شهرام رفیع‌زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان نسبت به این اقدام خلاف واقع آقای مزروعی از خود واکنش نشان داده و با ارسال نامه‌هایی مفصل و مجزا به خبرگزاری‌های مختلف، حقایق پرونده و نحوه رفتار مأمورین نیروهای انتظامی و زندان اوین را تشریح و تبیین نمودند و حسب اطلاع، این متهمین شخصاً به محل ساختمان خبرگزاری‌ها از جمله خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری فارس و غیره مراجعه و با دادن توضیح شفاهی اصرار داشتند برخورد قانونی و توأم با رأفت اسلامی مأمورین نیروی انتظامی و همچنین تخلفات، اشتباهات و غفلت‌های خودشان که موجب تعقیب و بازداشتشان گردیده در این رسانه‌ها منتشر گردد تا موجبات هوشیاری سایر افراد و پیشگیری از اغفال دیگران گردد که انعکاس مطبوعاتی و رسانه‌ای این مطالب را شاهد بودیم.

متعاقب این عملکرد متهمین سایت امروز، برخی افراد مغرض سیاسی که عملکرد این افراد را برای خود و اهداف مجرمانه گروه مربوطه و ادامه فعالیت سایت غیرقانونی امروز زیانبار دیدند - از جمله آقای عیسی سحرخیز، محمدعلی ابطی، رجبعلی مزروعی، ماشاءاله شمس‌الواعظین که متهمین نیز در پرونده از اعمال خلاف قانون برخی از آنها مطالب مفصلی بیان کرده بودند - با تشکیل ستادی به مسؤولیت آقای ابطی سلسله اقدامات برنامه‌ریزی شده‌ای بر روی دوستان، خانواده و شخص متهمین پیاده نموده و آنها را با تطمیع و لطایف الحیل که شرح آن در این مقال نمی‌گنجد تشویق نمودند تا مطالب دیکته شده این گروه را علیه مأمورین صدیق نیروی انتظامی و سیر قضایی پرونده و اتهامات واهی وارده بیان نمایند تا اولاً با پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و دروغ‌بافی، اصل اتهامات این افراد در بوته فراموشی افکار عمومی قرار گیرد. ثانیاً با ایراد تهمت و افتراء نسبت به نهادهای نظام و انعکاس آن در رادیوهای بیگانه و رسانه‌های ضدانقلاب، نظام اسلامی ایران را در نهادهای بین‌المللی به ناحق متهم به تضییع حقوق شهروندی و اعمال شکنجه و خشونت نمایند.

نیروی انتظامی در راستای وظیفه قانونی خود توطئه مذکور را کشف و ابعاد

کینه‌توزانه این جریان مسموم را خطاب به آن مرجع محترم گزارش نمود که حسب‌الارجاع، مراتب جهت رسیدگی به بازپرسی شعبه اول دادسرای کارکنان دولت ارسال و بازپرس محترم با جدیت وارد رسیدگی گردید.

حضرت عالی نیز پس از ملاقات مردمی روز دوشنبه ۸۳/۱۰/۱۴ در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در خصوص شایعات این گروه اعلام نمودید اگر در جریان این رسیدگی مأموری از نیروی انتظامی و یا زندان تخلف کرده باشد و یا خلاف آن ثابت شود با شدت برخورد قانونی صورت خواهد گرفت و چنانچه برخی افراد مغرض نیز با انتشار اکاذیب و تهمت و افتراء قصد سیاه‌نمایی علیه نیروی انتظامی و نهادهای نظام را داشته باشند با آنها نیز برخورد قاطعانه صورت خواهد گرفت بنا به مراتب فوق نسبت به مسائل زیر تقاضای رسیدگی و اعلام نتیجه فوری را دارد.

۱- افراد مغرضی مثل عیسی سحرخیز و ماشاءاله شمس‌الواعظین که در کینه‌توزی و دشمنی علیه نهادهای نظام اسلامی و همکاری با گروه‌های معاند و مخالف نظام و رسانه‌های بیگانه و دشمن میهن اسلامی شهرد می‌باشند با سوءاستفاده از موقعیت سابق خانم فرشته قاضی که قبلاً در روزنامه‌های زنجیردای و توقیفی «خبر» خبرنگار آنها بوده دروغی بزرگ و افتزایی آشکار به مأمورین نیروی انتظامی وارد نموده و طی سناریویی آقای عیسی سحرخیز با رادیو آلمان مصاحبه می‌نماید و صریحاً اعلام می‌کند که فرشته قاضی در دوران بازداشت توسط مأمورین نیروی انتظامی مورد شکنجه قرار گرفته و بینی ایشان در اثر شکنجه شکسته شده است، آقای ماشاءاله شمس‌الواعظین نیز همین مطالب کذب را ادامه داده تا اینکه در تاریخ ۸۳/۱۰/۱ در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی صریحاً نیروی انتظامی را به اعمال شکنجه در دو سطح شکنجه‌های سفید و شکنجه‌های قرمز متهم نموده و با شرح و تفصیل غیر واقعی به ضرب و شتم شدید خانم فرشته قاضی اشاره کرده که در سلول انفرادی منجر به شکستگی بینی و خونریزی شده است. این هجمه تبلیغاتی گروه مذکور در رسانه‌های بیگانه به عنوان شکنجه در ایران تبلیغ و نظام اسلامی را در سطح وسیع مواجه با سناریوی کاذب این گروه مغرض داخلی و هجمه ناروا و ناجوانمردانه نموده است. در

ادامه پیگیری موضوع؛ بازپرس محترم شعبه اول دادرسی کارکنان دولت مراتب را به پزشکی قانونی استان تهران منعکس نموده که نتیجه طی نامه شماره ۸۸۸/م/۱/۱ مورخه ۸۳/۱۰/۱۵ به شعبه بازپرسی مذکور اعلام و ثبت و ضمیمه پرونده شده است. پزشکی قانونی در این اظهار نظر با شرح بررسی‌های به عمل آمده شامل معاینه، انجام رادیوگرافی جدید از بینی، اخذ پرونده بالینی و فتوگرافی‌های مربوط به عمل جراحی پلاستیک بینی، اخذ سوابق بالینی مربوط به معاینه پزشکی در بهداری زندان، استعمال کتبی و تشکیل جلسه مشاوره حضوری با پزشکان معالج خانم فرشته قاضی نتیجتاً اظهار نظر صریح نمودند که نامبرده در تاریخ ۸۳/۲/۱۹ مورد عمل جراحی پلاستیک بینی قرار گرفته و مدعی است در حدود تاریخ نهم آبان ماه سال جاری با میکانیزم کوبیدن صورت و بینی بر روی دسته صندلی و دچار ضرب‌دیدگی شدید بینی شده است در معاینات انجام شده در مرکز پزشکی قانونی هیچ‌گونه آثار و علائمی از ضرب و جرح وجود ندارد و در بررسی‌های به عمل آمده نیز شواهد و یافته‌های پزشکی قابل استنادی به نفع تأیید ادعای خانم قاضی بدست نیامد. پزشکی قانونی همچنین گواهی آقای دکتر پدرام‌نیا را که در جهت جریان سازی سوء، اخذ شده با این استدلال که جزییات علائم بالینی مورد استناد «دکتر علی پدرام‌نیا» پزشک عمومی با اطلاعات ارایه شده از سوی پزشک متخصص جراحی پلاستیک (پزشک معالج) که قبل از وی خانم فرشته قاضی را معاینه کرده کاملاً در تضاد و تناقض دانسته و گواهی آقای «دکتر علی پدرام‌نیا» (پزشک عمومی) را به دلیل عدم مطابقت با سایر دلایل موجود در پرونده مردود اعلام نموده است. همچنین پزشکی قانونی با بررسی‌های به عمل آمده و توضیحاتی که آقای دکتر مجید داوودی متخصص جراحی پلاستیک که پزشک معالج ایشان هستند چنین ذکر می‌نماید که پزشک مذکور بنا به درخواست خانم قاضی گواهی‌ای دال بر شکستگی بینی و نیاز به عمل جراحی با اصرار و تقاضای بیمار به قصد استفاده از تسهیلات بیمه صادر کرده است و صریحاً این پزشک متخصص به پزشک قانونی اعلام می‌نماید که علائم بالینی مشاهده شده با ادعای خانم قاضی مغایرت داشته و خیلی بعید است که ضربه‌ای (ادعایی) که بیش از یک ماه از آن گذشته باشد دیده شود.

لذا با توجه به مشروح تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده توسط پزشکی قانونی و اظهارات پزشک متخصص معالج، صحنه سازی و تحصیل دلایل واهی و فریب پزشک با سوءاستفاده از قصد استفاده از تسهیلات بیمه، برنامه‌ریزی خانم فرشته قاضی و همسر وی آقای بیگلو و آقایان شمس‌الواعظین و عیسی سحرخیز، محمدعلی ابطحی ثابت و محرز گردید لذا از آن مرجع محترم تقاضا دارد به ادعای واهی این افراد و ایراد تهمت و افتراء که از طریق علمی (پزشکی) و قانونی کذب بودن آن ثابت گردیده رسیدگی و متخلفین به مجازات قانونی محکوم شوند.

۲- آقای ابطحی با سوءاستفاده از جایگاه هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی و مشاورت رییس‌جمهور متهمینی که در سایت غیرقانونی امروز فعالیت داشته‌اند را یک به یک دعوت و با فریب و نیرنگ آنها را تحریک می‌نماید که علیه اطلاعات نیروی انتظامی سخن بگویند و مطالب کذب را نسبت دهند که البته انگیزه وی بر افراد آگاه و مطلع پوشیده نیست لیکن سوءاستفاده از این جایگاه و تقلیل این نهاد به منبعی برای خبرسازی سایت شخصی ایشان دون شأن اعضای منتخب توسط ریاست محترم جمهوری است، عملکرد ایشان در خبرسازی و انتشار مطالب کذب و مسائلی که نه تنها در هیچ محکمه‌ای ثابت نشده بلکه با نظر نهاد رسمی و قانونی کشور و با دلایل علمی کذب بودن آن اعلام شده است از مصادیق افتراء و ممنوعیت مقرر در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری است.

لذا تقاضا دارد از انتشار اینگونه مطالب کذب و انتساب مطالب واهی به نیروی انتظامی و نهادهای حافظ نظام که رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب و عوامل معاند و گروه‌های محارب حداکثر بهره‌برداری را از مطالب سایت شخصی ایشان به نقل از جلسات هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی کرده‌اند بنحوی شایسته جلوگیری بعمل آید و متخلفین مورد اشاره تعقیب و به مجازات قانونی برسند ضمناً در خصوص سوءنیت آقای محمدعلی ابطحی این نکته قابل توجه است که ایشان به موجب اعلام کتبی یکی از متهمین به نام آقای جواد غلام تمیمی که در پرونده موجود در شعبه اول بازپرسی کارکنان دولت ثبت و ضبط گردیده توسط آقای ابطحی قرار ملاقاتی با این

متهم در مجموعه سعدآباد گذاشته می‌شود و در دفترش ملاقاتی با او برگزار می‌کند. و زمانی که آقای تمیمی در پاسخ به سؤال آقای ابطحی صریحاً اعمال هرگونه شکنجه و بدرفتاری و در انفرادی بودن را رد می‌نماید و رفتار قانونی و توأم با رأفت اسلامی مأمورین نیروی انتظامی و زندان اوین را تشریح می‌کند آقای ابطحی به ایشان تأکید می‌کند به مصلحت نظام نیست که شما دیگر مصاحبه کنید و در رابطه با پرونده‌تان صحبتی به عمل آورید و بهتر است سکوت کرده و حرفی نزنید، جای بسی شگفتی است چگونه وقتی افرادی علیه نیروی انتظامی و زندان صحبت می‌کنند ایشان با آب و تاب مطالب را در سایت شخصی خود برخلاف قانون منتشر می‌کند و آن را به مصلحت نظام می‌داند اما صحبت فردی که متهم بوده و از خوشرفتاری نیروی انتظامی و مطلوب بودن وضعیت زندان و برخورد توأم با رأفت اسلامی سخن می‌گوید به او تأکید می‌شود که دیگر مصاحبه نکند و سخن نگوید که به مصلحت نظام نیست، خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر گرداند.

معاونت اطلاعات ناجا

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۳۶۷

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷

جناب آقای حسینی

بازپرس محترم شعبه اول دادسرای کارکنان دولت

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۳/ب/۱۳۹ مورخ ۱۳۹/۱۰/۱۶ نکات زیر به استحضارتان می‌رسد.

۱- در پی ارسال نامه تظلم‌آمیز آقای رجبعلی مزروعی پدر حنیف مزروعی به مقام معظم رهبری، خدمت ریاست محترم جمهوری و درخواست بررسی موضوع نحوه دستگیری و بازداشت و بازجویی و رفتار با فرزندش و اشاره به وضع مشابه متهمین دیگر و قابل تأمل بودن نحوه مصاحبه و انتشار مطالب از سوی برخی متهمان، طبق معمول آقای رییس‌جمهور موضوع را به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جهت بررسی ارجاع فرمودند آقای حنیف مزروعی و برخی از متهمین آزاد شده دیگر که در کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز حضور یافته و وضعیت دوران بازداشت و بازجویی خود را بیان کرده بودند مایل بودند در هیأت پیگیری نیز حضور یافته و مطالب خود را اظهار دارند که طبعاً هیأت هم در جهت بررسی موضوع طبق ارجاع ریاست محترم جمهوری از حضور و استماع توضیحات آنان استقبال کرد.

روز شنبه مورخ ۸۳/۱۰/۱۵ آقایان حنیف مزروعی، مسعود قریشی، آرش نادرپور و خانم‌ها: فرشته قاضی (به اتفاق همسرش احمد محمدبیگلو) و محبوبه عباسقلی‌زاده در جلسه هیأت حضور یافتند و مطالبی در خصوص نحوه بازداشت، برخورد توهین‌آمیز، ضرب و شتم برای گرفتن اقرار به ویژه در خصوص مسائل اخلاقی و داشتن رابطه نامشروع، نگهداری طولانی مدت در زندان انفرادی و... بیان داشتند. خانم عباسقلی‌زاده اظهار داشت مورد ضرب و شتم قرار نگرفته ولی تهدید شده است. خانم فرشته قاضی ضمن بیان مطالب مختلفی از بدرفتاری‌های دوران بازجویی از جمله اظهار داشت در حین بازجویی، بازجو ضربه‌ای به پشت سر او زده که صورتش به دسته صندلی خورده

و خون به اطراف و لباسهایش پاشیده شده و چون بینی‌اش را عمل کرده بوده و می‌بایست مراقب آن باشد در اثر این ضربه دچار مشکل شده که بعداً متوجه شده شکستگی پیدا کرده است.

تا آن‌جا که من به یاد دارم در اظهارات خانم قاضی و دیگر افراد حاضر در جلسه تصریحی و تأکیدی بر اینکه بدرفتاری‌های ادعایی، از سوی مأموران نیروی انتظامی صورت گرفته وجود نداشت؛ آنچه ادعا می‌شد اینکه در حین بازجویی، در دوران بازداشت و احیاناً زمان نقل و انتقال، توسط بازجو و یا مأموران این رفتارها با آنان صورت می‌گرفته و اعتراض بیشتر آنان در ارتباط با طرح مسائل اخلاقی و اصرار بر اعتراف به روابط نامشروع و نیز مسأله‌ای که با اصطلاح تک‌نویسی معروف شده است، بود.

در ارتباط با محل بازداشت، اکثر آنها می‌گفتند ابتدا به اداره اماکن در خیابان استاد مطهری برده شده و بعداً به بازداشتگاه ناشناخته‌ای که حدس می‌زدند در حوالی میدان مادر میرداماد و مربوط به اطلاعات ناجا باشد انتقال یافته‌اند. در مطلبی هم که در سایت آقای ابطحی در ارتباط با این ملاقات منعکس شده (که تصویر پرینت آن پیوست است) ارتکاب اعمال ادعایی به ویژه ضرب و شتم خانم قاضی و شکستگی بینی نامبرده به نیروی انتظامی نسبت داده نشده است. (تصویر شکواییه آقای محمدبیگلو همسر خانم فرشته قاضی به رؤسای جمهوری و قوه قضاییه که هم از سوی خود او در جلسه و هم از طرف ریاست محترم جمهوری در اختیار هیأت قرار گرفته بود جهت ملاحظه و عنداللزوم رسیدگی و بررسی لازم که در عین حال نسبت خاصی به نیروی انتظامی داده نشده به پیوست ارسال می‌گردد.)

۲- هیچ منع و تجویزی از سوی هیأت برای انتشار مطالب مطرح شده در جلسه مزبور توسط آقای ابطحی به عمل نیامده و هیچ‌گاه نیز معمول نبوده که هیأت، اعضای خود را ممنوع از نقل مطلبی بنماید. اعضای هیأت به مسؤولیت خود و بدون بیان موضع هیأت در رابطه با مطالب و مسائل مطروحه تصمیم‌گیری می‌کنند.

در خصوص جلسه فوق‌الذکر نیز پس از پایان جلسه، آقای ابطحی هنگام خروج از بنده سؤال کردند آیا تصویب شد که این مطالب نقل نشود؟ و اینجانب پاسخ دادم در



جلسه چیزی تصویب نشد و رأی‌گیری صورت نگرفت.

۳- در خصوص دستور جناب‌عالی به اتخاذ ترتیبی برای خودداری آقای ابطحی از عمل مغایر با مفاد ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با اینکه ماده مزبور در جلسه هیأت با حضور جناب آقای ابطحی قرائت شد، ولی به نظر اعضاء هیأت ارتباط مفاد این ماده که مربوط به بیان حکم علنی بودن جلسات دادگاه و نحوه آن و موارد مستثنی از حکم کلی علنی بودن دادگاه می‌باشد با مانحن فیه روشن نیست. ضمن اینکه معلوم نیست چگونه این هیأت می‌تواند ترتیبی اتخاذ کند که دیگری خلاف قانون عمل ننماید؟

۴- پس از نشر قسمتی از اظهارات پنج نفر مازالذکر در جلسه شنبه مورخ ۸۳/۱۰/۵ هیأت در شایت آقای ابطحی، آقای مرتضوی دادستان محترم تهران روز سه‌شنبه ۸۳/۱۰/۸ تلفنی با اینجانب تماس گرفتند و ضمن اعتراض به درج آن مطالب در سایت آقای ابطحی فرمودند شما باید چهار نفر متهم دیگر را نیز دعوت کنید که در هیأت حضور یابند و اظهارات آنها را استماع نمایند. اسامی آن چهار نفر را که فرمودند یادداشت کنم عبارت بود از آقایان: شهرام رفیع‌زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان و جواد تمیمی. بنده به ایشان گفتم ما از حضور افراد مزبور در جلسه هیأت و استماع نظراتشان استقبال می‌کنیم ولی چون خودشان به ما مراجعه نکردند و نشانی هم از آنها در دست نداریم جناب‌عالی به اطلاعشان برسانید که در جلسه هیأت که شنبه آینده تشکیل می‌شود شرکت نمایند. روز شنبه ۸۳/۱۰/۱۲ آقایان روزبه میرابراهیمی به اتفاق همسرش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور یافتند و دو نفر دیگر نیامدند گفته شد آقای رفیع‌زاده در شهرستان بوده و به آقای تمیمی هم در آن وقت دسترسی پیدا نشده به هرحال در آن موقع حضور نیافتند از سوی هیأت گفته شد هر وقت خواستند می‌توانند تماس بگیرند و به هیأت مراجعه کنند و اظهاراتی که مایلند به سمع هیأت برسد بگویند که تاکنون این دو نفر مراجعه نکرده‌اند.

در هر صورت آقایان روزبه میرابراهیمی و امید معماریان نیز در این جلسه در ارتباط با دستگیری و بازداشت و نوع رفتار با آنها مطالبی شبیه آنچه گروه اول گفته بودند ابراز داشتند و علی‌الاصول گفته‌های آنها را در رفتار نامناسب، توهین شدید، ضرب و شتم، اعمال فشار به طرق مختلف برای اعتراف‌گیری به انجام خلاف‌های

اخلاقی و... تأیید نمودند و اضافه کردند که انجام مصاحبه و نوشتن نامه و اظهار ندامت از سوی آنها تحت فشار و تهدید و احساس ترس صورت گرفته است.

به هر حال کشف صحت و سقم مطالب عنوان شده با مقامات محترم قضایی و مخصوصاً دادگاه محترم رسیدگی کننده به اتهامات خواهد بود.

۵- طبق رویه معموله هیأت، گزارش اجمالی از این دو ملاقات و اظهارات و ادعاهای بدون داوری در صحت و سقم آنها و طبعاً ابراز نگرانی در صورتی که حتی برخی از این اظهارات درست باشد به ریاست محترم جمهوری منعکس شد و اظهار امیدواری شد که هیأت دیگری که ظاهراً برای بررسی این موضوع تشکیل شده و طبعاً با هماهنگی قوه قضاییه، قبل از فرارسیدن (یوم تبلی السرائر) که با کنار رفتن زبان و مهور شدن دهان (الیوم نختم علی افواههم) به حکم احکم الحاکمین، دست و پا و سایر اقدامها به سخن درمی آیند و همه چیز را آشکار می کنند، حقیقت مکشوف افتد، و دستگاه محترم قضایی بتواند به عدل و حق حکم کند. آن گونه که در رسانه های گروهی اعلام شد، موضوع خدمت ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیه الله شاهرودی نیز مطرح شده و ایشان دستور رسیدگی دقیق را دادند و انشاءالله با رسیدگی همه جانبه واقعیت معلوم می شود.

توفیق روزافزون جناب عالی را در رسیدگی بیطرفانه و احقاق حق و اجرای عدالت از خداوند بزرگ خواستارم که: عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و  
نظارت بر اجرای قانون اساسی

رونوشت:

- حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران  
به پیوست تصویرنامه آقای بازریس محترم شعبه اول دادسرای کارکنان دولت و شکایت  
نیروی انتظامی جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم.

در مورد نامه خانم شیرین عبادی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۱۰۸۷۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸

حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای بونسی

وزیر محترم اطلاعات

سردار سر تیپ پاسدار خلیان قالیباف

فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

یا سلام

نامه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰ خانم شیرین عبادی و ضمایم آن درباره امنیت قضایی و جانی ایشان (تصاویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

۱- هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی پیگیری کند.

۲- وزارت محترم اطلاعات با جدیت و همه جانبه مسأله را

رسیدگی کند و نهایت کوشش را در جهت تأمین امنیت ایشان

به عمل آورد.

۳- پیروی انتظامی نیز طبق قولی که داده است اقدام و در

حفاظت بکوشد.

امیدوارم همه چیز در چارچوب قانون و با رعایت حقوق

شهروندی عملی گردد.

سید علی خاتمی

جناب حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراماً: با سپاس از این که چند هفته قبل فرمودید که امنیت من را تضمین خواهید فرمود، ضروری می‌دانم مطالبی را به استحضار برسانم:

الف - طی یک ماه گذشته دو بار از سوی قوه قضاییه به عنوان متهم به دادرسی فراخوانده شدم - بار اول از سوی شعبه ۱۴ بازپرسی مستقر در دادگاه انقلاب که مسؤول رسیدگی به امور امنیتی و اتهامات سیاسی است (پیوست شماره یک) - دادرسی عمومی و انقلاب تهران متعاقب واکنش‌های ملی و بین‌المللی، اعلام کرد که پرونده براساس شکایت شاکی خصوصی تشکیل شده و منجر به صدور قرار منع پیگرد شده و پرونده مختومه شده است. هرچند که هنوز قرار صادره به من یا وکلای من، ابلاغ نشده است، اما با خوش‌بینی اظهارات عنوان شده را صحیح می‌پندارم.

بار دوم از سوی شعبه هشتم دادگاه عمومی تهران توسط وکلای خود (آقایان سیف‌زاده و احدی) به عنوان متهم برای روز ۱۳۸۳/۱۲/۵ ساعت ۸ $\frac{1}{4}$  جهت محاکمه احضار شدم (پیوست شماره دو) بدون آنکه بدانم اتهام جدید من چیست و عاقبت این پرونده به کجا ختم خواهد شد.

ب - تاکنون به کرات تهدید به قتل شده‌ام و حتی به دلالت پرونده قتل‌های زنجیره‌ای - که حداقل ۱۴ وکیل دادگستری آن را مطالعه کرده‌اند - قرار بوده من را با هفت تیر در خیابان به قتل برسانند و خوشبختانه قبل از اجرای برنامه قاتلین دستگیر می‌شوند - و اکنون با اتمام مدت محکومیت، آزادانه در اجتماع به سر می‌برند. عداوت مخالفین من تا حدی است که فردی مختل‌المشاعر را مدت‌ها علیه من تحریک نمودند. مراتب را جهت ثبت در تاریخ به نیروی انتظامی هم گزارش کرده‌ام - به‌رحال تهدیدات کتبی و شفاهی ادامه دارد و حتی دو بار نیز با شکستن حصار فلزی پارکینگ منزل سعی در قدرت‌نمایی داشته‌اند.

پ - من در سال ۱۳۷۸ در پرونده موسوم به نوارسازان مدتی در بند ۲۰۹ زندان اوین، زندانی شدم. سرانجام طبق رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران به پرداخت جزای نقدی محکوم شدم. با وجودی که بیش از چهار سال از تاریخ صدور حکم و قطعیت آن می‌گذرد، هربار که برای پرداخت جریمه و آزاد ساختن سند منزل که وثیقه رهایی من بود، مراجعه کردم، دادگاه بدون عذر موجه تعلل نموده است و سند منزل من هنوز، بدون مجوز قانونی، در وثیقه دادگستری است.

ت - طی دو ماه اخیر، در غیاب من، دو بار افرادی به دفتر کانون مدافعان حقوق بشر که ریاست آن را بر عهده دارم، مراجعه کردند. بار اول خود را مأمورین اداره اماکن و بار دوم مأمورین نیروی انتظامی معرفی کردند و هر بار با رفتاری خشن عنوان نمودند که قصد بازرسی داشته و می‌خواهند منشی کانون را جلب نمایند و چون برگ شناسایی و یا حکم قضایی ارایه ننمودند از ورود آنان جلوگیری به عمل آمد. مراتب را به نیروی انتظامی گزارش نمودم، شفاهاً اظهار داشتند که مراجعین افرادی خودسر بوده و هیچ‌گونه سابقه‌ای در ارگان‌های ذیربط انتظامی وجود ندارد.

#### ریاست محترم جمهوری

جناب عالی دو مرتبه طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سوگند یاد کردید که حافظ و حامی آزادی و حقوقی باشید که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته است و بدین جهت شما را مورد خطاب قرار داده و صراحتاً اعلام می‌کنم که در شرایط حاضر امنیت قضایی و جانی ندارم زیرا عدای با ارباب و تهدید و در صورت امکان با پرونده‌سازی قصد دارند به هر نحو ممکن مانع از ادامه فعالیت‌های من شوند و شما به خوبی واقف هستید که هرگز هدفی جز ارتقاء حقوق بشر در ایران نداشته و به هیچ حزب و گروهی نیز وابسته نیستم.

جای حیرت و تأسف در این است که در شرایطی که شهروندی چون من که به علت جایزه صلح نوبل مورد توجه محافل بین‌المللی است و به نکات حقوقی نیز وقوف کامل

دارد، نمی‌تواند با امنیت و آسودگی و ظایف اجتماعی خود را انجام دهد، چگونه می‌توان آرامش خاطر و امنیت جانی سایر شهروندان را که فاقد چنین مزایایی هستند، تأمین و تضمین نمود؟

با احترام  
شیرین عیادی  
۱۳۸۳/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۴۵۷

تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۳-۱۰۸۷۶/م مورخ ۸۳/۱۱/۲۸ در ارتباط با تظلم خانم شیرین عبادی به جناب عالی نسبت به تهدیدها و نوع برخورد دستگاه قضایی با نامبرده موضوع در جلسه هیأت مطرح و از خانم عبادی نیز برای حضور در جلسه دعوت به عمل آمد، نامبرده در جلسه هیأت اظهار داشت، اصولاً پس از دریافت جایزه نوبل برخوردهای نامناسب از سوی برخی از افراد و مطبوعات علیه نامبرده صورت می‌گیرد و وی را متهم به طرفداری از اسرائیل یا بهاییان و حمایت بهاییان از او می‌نمایند که همین امر می‌تواند بعضی از افراد را تحریک نموده، و امنیت جانی او را به خطر بیاندازد و در این راستا خواستار تمهیداتی جهت جلوگیری از انتشار این گونه مطالب خلاف واقع علیه وی که فردی مسلمان و مدافع مظلومیت فلسطینیان بوده، و مطلبی علیه اسلام بیان نداشته، بود. در ارتباط با نوع برخورد دستگاه قضایی اظهار می‌داشت در ۸۳/۱۰/۲۰ احضاریه‌ای از سوی بازپرس شعبه ۱۴ برای وی فرستاده شد، که جهت اخذ توضیح در آن شعبه حاضر شود بدون اینکه معلوم شود برای چه امر و تحت چه عنوانی احضار شده است به هر حال بعداً اعلام شد که به دنبال شکایت شاکی خصوصی، ایشان را احضار کردند و بعد هم بازپرس قرار منع تعقیب صادر کرده است. در مراجعه‌ای که به شعبه مزبور داشته و قرار منع تعقیب را رؤیت کرده، معلوم شده فردی علیه نامبرده بدین جهت که حدود یک سال پیش با آقای شیراک رییس جمهور فرانسه ملاقات کرده و با او دست داده است، به عنوان توهین به مقدسات و شخص شاکی که به عنوان یک متسلمان این عمل را اهانت به خود تلقی نموده شکایت کرده است.

مورد دوم طی احضاریه‌ای از سوی شعبه ۸ دادگاه عمومی تهران وکلای وی را برای محاکمه و جلسه رسیدگی به اتهام وی در تاریخ ۸۳/۱۲/۵، احضار کردند. در مراجعه وکلای وی مشخص شد موضوع مربوط به پرونده معروف به نوارسازان است که نامبرده و آقای رهامی به عنوان متهم به نشر اکاذیب چند سال پیش تحت تعقیب قرار گرفته و وی که مدت ۲۵ روز در بازداشت در زندان اوین به سر برده با سپردن وثیقه آزاد و ابتدا در دادگاه بدوی به ۱۵ ماه حبس و سپس در تجدیدنظر به مبلغی جزای نقدی محکوم شد و حکم قطعیت پیدا کرد تاکنون هر چه برای اجرای حکم و پرداخت جریمه و آزاد کردن سند منزل خود که وثیقه گذاشته مراجعه کرده است دادگستری از اجرای حکم خودداری نموده است و هم‌اکنون ظاهراً با این توجیه که در حکم بدوی قید شده است پرونده در مورد سایر متهمین مفتوح است و بدون اینکه معلوم شود موضوع چه ارتباطی به شخص ایشان دارد برای رسیدگی وکلای وی را احضار کرده‌اند. این ذهنیت برای خانم عبادی پدید آمد، که با این نوع احضاریه‌ها قصد آزار و ناامن کردن خاطر او را دارند.

در خصوص حفاظت فیزیکی از مشارالیه‌ها جناب‌عالی دستور مجدد به نیروی انتظامی دادید، و تأکید فرمودید. در ارتباط با این نوع احضاریه‌ها به هر حال آنچه هیأت می‌تواند نظر بدهد، رعایت کامل موازین دادرسی و اصول دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی و قوانین آیین دادرسی است که احضار و بازجویی و محاکمه، اصول و قواعد خاص خود را دارد و اگر درست رعایت نشود حقوق شهروندی افراد که این روزها مخصوصاً از سوی دستگاه قضایی بر لزوم توجه به آن تأکید زیاد می‌شود، نقض خواهد شد، نوع دو احضاریه‌ای که برای خانم عبادی ارسال شده، با توجه به توضیحات مشارالیه‌ها با رعایت حقوق شهروندی و ضوابط و قواعد دادرسی همخوانی ندارد، البته همه افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها مساوی هستند و مرجع قضایی اختیار دارد با رعایت مقررات قانونی نسبت به احضار و اخذ توضیح و بازجویی و محاکمه افراد اقدام نماید. اگر صلاح بدانید جناب‌عالی در راستای حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های



شهروندان تذکر لازم را بر رعایت ظرایف قانونی و پرهیز از این نوع برخوردها و  
اخبارها نسبت به هر فردی به دستگاه قضایی بدهید. امید است سودمند افتد و  
مؤثرتر باشد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۱۱۶۶۶  
تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای ایزدینا  
رییس محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

با سلام  
نام‌های شماره‌های ۸۳-۳۴۵۷ مورخ ۸۳/۱۲/۱۹ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون  
اساسی ریاست جمهوری و ضمائم آن در خصوص درخواست خانم شیرین عبادی  
(تصاویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی‌نوشت فرمودند:

«با تأیید مضمون گزارش عیناً جهت استحضار حضرت  
آیه‌الله هاشمی و صدور دستور مقتضی از سوی ایشان منعکس  
شود.»

سیدعلی خاتمی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهربور  
رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۴-۳۴۴  
تاریخ ۱۳۸۴/۲/۵  
حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایزدینا  
رئیس محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

با سلام  
نامه شماره ۵۴۲/۸۴/م مورخ ۸۴/۱/۲۳ به همراه نامه شماره ۸۴/۱/۸۰/۳۵۲ مورخ ۱۰/۱/۸۰  
نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (تصویر پیوست) به استحضار  
ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«با تشکر از قوه محترم قضاییه، هیأت پیگیری و نظارت بر  
اجرای قانون اساسی و نیروی انتظامی امیدوارم در آینده شاهد  
امور نادرست نباشیم.»

سیدعلی خانی

گیرندگان:

- سردار سرتیپ عبداللہی
- سرپرست محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، همراه با تصویر رئیس جمهور
- محترم حوزه ریاست قوه قضاییه
- جناب آقای دکتر مہرپور
- رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با تصویر

## در مورد ممنوع الخروج‌ها

بسمه تعالی

شماره ۸۴-۱۵۴

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

به استحضار می‌رساند تعدادی از افرادی که حسب اظهار خودشان به عناوین مختلف از خروج آن‌ها از کشور جلوگیری شده و یا گذرنامه آن‌ها اخذ و مسترد نشده یا با مراجعه برای دریافت گذرنامه جدید به لحاظ انقضای مدت از صدور گذرنامه جدید برایشان خودداری شده به هیأت مراجعه و خواستار رسیدگی به موضوع و اقدام مقتضی از سوی ریاست محترم جمهوری از این جهت که یکی از حقوق اساسی شناخته شده آن‌ها در قانون اساسی نقض شده گردیدند.

عمده مطلب و اظهار متظلمانه آنان این است که ممنوعیت خروج یا عدم تحویل یا عدم صدور گذرنامه برای آنان، یا مستند به دستور مقام قضایی می‌شود که دستور قضایی را به آنان ابلاغ نمی‌کنند تا از حق اعتراض استفاده کنند یا بدون صدور دستور مقام قضایی با ایرادات و اشکال تراشی‌های نیروی انتظامی و احیاناً وزارت اطلاعات به هر حال از خروج آن‌ها از کشور و یا صدور گذرنامه جلوگیری می‌شود و در مواردی از آن‌ها خواسته شده به محلی در نیروی انتظامی مراجعه و به سؤالات آن‌ها پاسخ دهند (و کسانی که مراجعه کردند نوعی بازجویی مفصل از جنبه‌های مختلف شخصی از آنان به عمل آمده است) تا برای صدور گذرنامه و رفع ممنوعیت آنها اقدام شود.

یکی از مراجعه‌کنندگان (آقای احمد زیدآبادی) می‌گفت در چند سال پیش که برای دستگیری او به خانه‌اش مراجعه کردند و خانه را مورد تفتیش و بازرسی قرار دادند، گذرنامه را نیز مأمورین با خود بردند و بعد هم گفتند مفقود شده حال که برای گرفتن

گذرنامه جدید مراجعه کرده نیروی انتظامی بدین جهت که وضعیت گذرنامه مفقود شده که تاریخ اعتبار آن هم منقضی شده روشن نیست و مرجع ضبط کننده گذرنامه نیز پاسخ نمی‌دهد و مسئولیت گم شدن آن را به عهده نمی‌گیرد از صدور گذرنامه جدید خودداری می‌نماید.

در ارتباط با حکم قانونی ممنوع‌الخروج کردن افراد و عدم صدور گذرنامه برای آنان نظر جناب‌عالی را به نکات زیر معطوف می‌دارد:

۱- طبق بند ۱ ماده ۱۶ قانون گذرنامه اصلاحی سال ۱۳۶۲ به کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند و طبق بند ۳ ماده مزبور کسانی که مسافرت آن‌ها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد هیچ نوع گذرنامه داده نمی‌شود.

و مطابق ماده ۱۷ قانون گذرنامه دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید و طبق ماده واحده مصوب ۵۹/۲/۲۰ شورای انقلاب بانک مرکزی می‌تواند از طریق دادرسی عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج از کشور بدهکاران بانکی شود.

ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ به دادگاه اجازه داده در مواردی قرار عدم خروج متهم از کشور را صادر نماید ماده مزبور مقرر می‌دارد: «با توجه به اهمیت و دلایل جرم، دادگاه می‌تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می‌تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

تبصره - در صورت فسخ قرار توسط مرجع تجدیدنظر و یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم، دادگاه بدوی مکلف است مراتب را بلافاصله به مراجع ذی‌ربط اطلاع دهد.»

از مقررات قانونی فوق‌الذکر و با توجه به رویه عملی قضایی، به روشنی پیدا است که در صورتی می‌توان فردی را از خروج از کشور منع و از داشتن گذرنامه محروم کرد که قرار یا حکم قضایی روشن از سوی قاضی صالح صادر شده باشد صدور قرار ممنوعیت از سوی قاضی هم باید بر اساس ضوابط و مبانی پیش‌بینی شده در مقررات قانونی فوق‌الذکر باشد و در عین حال که می‌تواند اجرا شود باید به فرد ممنوع‌الخروج ابلاغ گردد تا توان اعتراض را داشته باشد و به محض فسخ قرار یا منقذی شدن موجب صدور آن، باید لغو ممنوع‌الخروجی او به مراجع مربوط اعلام شود و طبعاً دستگاه‌های اجرایی از جمله مراجع اطلاعاتی و انتظامی نمی‌توانند بدون داشتن حکم صریح قضایی در رابطه با خروج افراد از کشور و دریافت گذرنامه مانع‌تراشی نمایند.

۲- حق آزادی رفت و آمد و از جمله خروج از کشور امروزه جزء حقوق اساسی افراد شناخته شده که باید از سوی دولت‌ها رعایت شود و نقض آن بدون وجود مبانی قانونی، نقض حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود، علاوه بر بند ۲ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که می‌گوید: «هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود بازگردد» بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران نیز عضو و متعهد به آن است همین عبارت و مضمون را مورد تصریح قرار داده و بند ۳ ماده مزبور فقط محدودیت‌هایی را که برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم است و به موجب قانون مقرر شده مجاز دانسته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هرچند به این صراحت عبارتی ندارد ولی از اصل ۲۰ قانون اساسی که می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و بند ۱۷ اصل سوم که: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و از وظایف عمده دولت اسلامی شمرده است. به خوبی برمی‌آید که حق آزادی رفت و آمد و ورود و خروج از کشور جزء حقوق و آزادی‌های افراد ملت است که جز به موجب قانون و در چارچوب ضوابط قانونی به تشخیص مراجع

صالح که حسب آنچه در بند ۱ بیان شد مقامات صالح قضایی هستند نمی‌توان افراد را از این حق محروم و ممنوع کرد.

اتفاقاً شورای نگهبان قانون اساسی نیز همین برداشت را از اصول یاد شده قانون اساسی نموده و اولین بار که قانونی برای گرفتن گذرنامه، پرداخت عوارض را مقرر نمود، علی‌الاصول این امر را که خود می‌تواند موجب محدودیت حق آزادی خروج افراد از کشور شود اولاً و با الذاات مغایر قانون اساسی دانست و فقط به لحاظ وضعیت جنگی و گرفتاری‌های دولت به خاطر آن وضعیت، قانون فوق را تأیید کرد.

شورای نگهبان در نامه شماره ۴۰۴۱ مورخ ۱۳۶۴/۵/۱ خطاب به مجلس شورای اسلامی در رابطه با لایحه قانونی دریافت عوارض خروج از کشور (که مقرر شده بود از هر مسافری برای خارج از کشور، بار اول مبلغ پنجاه هزار ریال و بار دوم و بیشتر یکصد هزار ریال اخذ شود) اعلام داشت: «حق مسافرت و آزادی سفر از اعمال عادی و حقوق مسلم فردی و اجتماعی هر شخص است که طبق اصل ۲۰ قانون اساسی همگان از آن برخوردارند و بر حسب بند ۷ اصل سوم قانون اساسی بر حسب قانون باید تأمین شود، سلب این حق در شرایط عادی با موازین شرعی و قانون اساسی مغایرت دارد. ولی نظر به وضع فوق‌العاده فعلی و جنگ تحمیلی با اکثریت آراء تأیید شد.»

مقتضای این نظر شورای نگهبان این است که با رفع شرایط جنگی و وضع بحرانی دولت حتی مقررات وضع عوارض برای خروج از کشور که موجب محدودیت حق آزادی رفت و آمد افراد می‌شود خلاف قانون اساسی است و باید برداشته شود.

به هر صورت هرگونه محدودیت و ممانعت برای خروج از کشور و صدور گذرنامه اگر مستند به دستور روشن قضایی قاضی در محدوده قوانین فوق‌الاشعار نباشد مغایر قانون اساسی و معاهدات مربوطه بین‌المللی است.

۳- در اظهارات و توضیحات مراجعین به هیأت، قسمت عمده مانع تراشی‌ها و ایرادگیری‌ها و از جمله گرفتن گذرنامه و ناگزیر کردن صاحب آن به مراجعه به مراجع مختلف اطلاعاتی و انتظامی و گاه به این بهانه انجام بازجویی‌های گوناگون به نیروی انتظامی که شامل اطلاعات نیروی انتظامی می‌شود و وزارت اطلاعات که قسمت مربوطه

آن سابقاً به عنوان نخست‌وزیری و هم‌اکنون به عنوان ریاست جمهوری معروف است، مربوط می‌شود که هر دو در حوزه قوه مجریه قرار دارند و اگر این اظهارات درست باشد، نقض قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های افراد در این حوزه صورت می‌گیرد و طبعاً شایسته است اگر صلاح بدانید مقرر فرمایید وزیر محترم کشور در ارتباط با نیروی انتظامی و وزیر محترم اطلاعات در ارتباط با وزارت اطلاعات بررسی و اقدامات لازم را انجام داده و از ایجاد محدودیت‌های غیرقانونی و غیر مستند به دستور صریح قضایی جلوگیری نمایند و گزارش آن را به جناب‌عالی ارایه دهند.

طبعاً احکام قضایی مربوط به ممنوع‌الخروج بودن افراد یا عدم صدور گذرنامه برای آنها از سوی دستگاه قضایی نیز باید مستند به مواد قانونی بوده و به فرد ممنوع‌الخروج ابلاغ شود تا عندالاقضاء بتواند طبق ذیل ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری اعتراض نماید.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



بسمه تعالی

شماره ۸۴-۲۱۰۴  
تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایردپناه  
ریس محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

یا سلام

به پیوست تصویر گزارش شماره دی ۸۴-۱۵۴ مورخ ۸۴/۳/۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص ممنوعیت خروج از کشور یا عدم تحویل و عدم صدور گذرنامه برای افراد مورد اشاره و نقض حقوق اساسی آنان، متضمن پی نوشت ریاست محترم جمهوری مبنی بر:

«حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی

یا سلام

مواضع روشن و امیدبخش حضرت عالی در همه زمینه ها و حسن نیت و اهتمامی که به اجرای حق و عدل دارید در خور تقدیر فراوان است. برایتان از خداوند طلب طول عمر و توفیق می کنم. مطمئناً اگر آن چه را که طی ماه ها و بلکه سال های اخیر فرموده اید و بر آن اصرار داشته اید اجراء شود، نگرانی ها بسیار کم خواهد شد. عیناً نظر کارشناسی هیأت پیگیری و نظارت بر قانون اساسی را ارسال می دارم تا اولاً، اگر نظرتان موافق است دستور اقدام صادر فرمایید. ثانیاً، دستور فرمایید با متخلفان که اگر گزارش درست باشد، دقیقاً دستورات اخیر جناب عالی را نقض کرده اند، طبق روال قانونی برخورد لازم صورت گیرد. با معذرت از تصدیع»

سید علی خاتمی

جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه ارسال می گردد.

بخش پنجم / حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی  
۴۷۵

رونوشت:

-جناب آقای دکتر مهرپور  
رئیس محترم هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## تذلم آقای قاضیان

بسمه تعالی

شماره ۱۵۵۸۷

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

وزیر محترم دادگستری

جناب آقای دکتر مهرپور

رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه جناب آقای حسین قاضیان و ضمایم آن در خصوص تقاضای رسیدگی به پرونده نامبرده (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

با تأسف از آنچه بر فاضل محترم جناب آقای دکتر قاضیان رفته است و با توجه به این که از آغاز دستگیری ایشان و جناب آقای عبدی تلاش های فراوان داشته ام که خدای ناخواسته ستمی بر ایشان و بر هیچ فردی نرود و گاه در این مسیر موفق و گاه ناموفق بوده ام. اینک نامه ایشان و ضمایم همراه را نزد جناب عالی می فرستم تا در هیأت مطرح شود. جناب آقای شوشتری هم تشریف دارند و متأسفم که چگونه نامه قبلی ایشان را ندیده ام یا دستوری که درباره آن داده ام عمل نشده است. به هر حال امیدوارم با انصاف و همه جانبه نگری مسأله رسیدگی شود. مطمئن هستم که ریاست محترم قوه قضاییه که الحق با

اقدام‌های اخیر خود روزه روشنی را به دل و دیده هم گشوده‌اند تا به امید اجرای عدالت دلگرم‌تر باشید نیز به آنچه مقتضای انصاف و حق و عدل است دستور خواهند داد که طیباً جناب آقای شوشتری بپذیرید خواهند فرمود. با معذرت».

سیدعلی خاتمی

## حضرت حجة الاسلام خانمی

رییس محترم جمهوری

با سلام

حدود ۷ ماه پیش نامه‌ای به حضرت آیه‌الله شاهرودی، رییس محترم قوه قضاییه نوشتم تا به سبب مسؤولیتشان به تخلفات کثیفی که در جریان رسیدگی به اتهامات اینجانب در پرونده‌ی موسوم به نظرسنجی مؤسسه پژوهشی آینده گذشته بود، رسیدگی کنند. رونوشتی از این نامه را هم برای جناب‌عالی ارسال کردم تا به خاطر مسؤولیتی که در پاسداری از اجرای قانون اساسی برعهده دارید، جهت اقدام مقتضی آن را به جریان اندازید. از نامه‌ای که به رییس قوه قضاییه نوشته‌ام، اثری حاصل نشده است. از نامه‌ای نیز که به جناب‌عالی به سبب همان مسؤولیت معهود نوشته‌ام، اثری حاصل نیامده است. باید اعتراف کنم که از ناپیگیری جناب‌عالی و همکارانتان در ستاندن حقی که به شکلی آشکار ضایع شده، ناخرسندم. البته انتظار نداشتم به ناروایی‌هایی که به دلایلی نهان و پنهان بر ما رفته است - دقیقاً به همان دلایل - رسیدگی شود. اما هنوز برایم این پرسش بی‌پاسخ مانده که آیا واقعاً کار حکمرانی در مملکت ما تا به این پایه تباه شده است که روسای دو قوه‌ی کشور نمی‌توانند حتی در این حد مؤثر باشند که یک بند قانونی را عملی کنند که می‌گوید اسناد، مدارک و اموال توقیفی محکومان که در پرونده مؤثر نبوده و حکمی در مورد آن صادر نشده، پس از محاکمه باید مسترد شود؟ آیا رواست پس از آن همه ناروایی و لگدمال کردن قضا و قانون، پس از گذشت ۲ سال از پایان محاکمه، گذشته از اموال و اسناد و مدارک شخصی، انبوهی از نوشته‌ها، ترجمه‌ها، یادداشت‌ها، فیش‌ها و فایل‌های کامپیوتری حاوی تحقیقات میدانی را که حاصل بیش از بیست سال تلاش فکری بوده و از خانه و مؤسسه به یغما برداند باز پس ندهند؟ آیا مسترد نکردن حاصل رنج این سالیان، که به نحو غیر قانونی ضبط شده و نگهداری می‌شود، به معنای آن نیست که گویی من در بیست و اندی سال گذشته در زندان بوده‌ام و اثر و بلکه وجود نداشته‌ام؟ آیا معنای دیگر این عمل نوعی مجازات خاموش و بسی

مهلک‌تر از آنچه رسماً اعلام شده نیست؟

البته من از تنگناهایی که شما در عمل با آن روبه‌رو هستید کم و بیش باخبرم و می‌دانم که فاصله میان قدرت واقعی رییس جمهور برای پاسداری از قانون اساسی با آنچه صاحبان اصلی قدرت در این مملکت در عمل ترسیم می‌کنند، بسیار است. و می‌دانم که حاکمیت ملت - که در رأی آنان تبلور می‌یابد - چگونه در بند قدرت‌هایی فراتر از قانون و رأی و خواست ملت، اسیر است. از این رو راستش را بخواهید از هیچ یک از این دو نامه چشم‌داشت چندان اثری نداشتم. فقط می‌خواستم هر ناظر بی‌غرضی را قانع کنم که در این نظام دیگر کمترین دادی هم ستانده نمی‌شود. چرا که زعمای امور کار را به جایی رسانده‌اند که دیگر هیچ ترتیبات و سازوکار نسبتاً مستقلی از قدرت سیاسی برای احقاق حق شهروندان باقی نمانده است.

اما گذشته از این‌ها کمترین انتظاری که وجود داشت، ارجاع موضوع ما نحن فیه به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی بود و این که این هیأت دست کم من را بخواهد، توضیحاتم را بشنود؛ و در نهایت نتیجه‌ی اقداماتش را - هر چه باشد - اگر نه به اطلاع عموم که به اطلاع شاکی برساند. چرا که متصدیان پرونده گذشته از زیر پا گذاشتن مکرر قوانین آمرده‌ی آیین دادرسی - که البته به سمت جناب عالی از حیث این شکایت ارتباط ندارد - در موارد متعدد اصول قانون اساسی را که شما نسبت به آن سمت و البته وظیفه دارید، نقض کرده‌اند که ذیلاً فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱- تجسس و استراق سمع بدون حکم قانونی | اصل ۲۵ قانون اساسی |

۲- بازداشت و تفهیم اتهام به شکل غیرقانونی | اصل ۲۳ قانون اساسی |

۳- تفتیش عقاید، شکنجه و هتک حرمت و حیثیت | اصول ۲۳، ۲۸، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی |

۴- پخش موارد اتهام و جریان محاکمه، پیش از صدور حکم محکومیت قطعی از صدا

و سیما | اصل ۳۷ قانون اساسی |

۵- عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در صدور حکم | اصول ۳۶ و ۱۶۹

قانون اساسی |

۶- غیر مستند و غیر مستدل بودن احکام صادر شده (به ترتیب در مورد محکومیت

بر اساس مواد ۵۰۰ و ۵۰۸ (ق.م.ا) اصل ۱۶۶ قانون اساسی |

۷- ممانعت از دادخواهی در مرجع بالاتر | اصل ۳۴ قانون اساسی |

۸- توقیف و عدم استرداد مدارک اموال و اثاثیه‌ی شخصی و اداری | اصل ۲۲ قانون

اساسی |

نگاهی به مطالب دو جلد ضمایم پیوست این نامه، یعنی لایحه‌ی ارایه شده به دیوان پس از کسب اولین فرصت دفاع، و نیز مکاتبات با قاضی پیشین پرونده، که شرحی مجمل از موارد یاد شده در بالاست، می‌تواند برخی از ابهام‌هایی که ممکن است ذهن شما و همکارانتان را در این موضوع به خود مشغول کرده بزدايد و موانع ذهنی احتمالی را که موجب عدم اقدام جدی برای احقاق حقوق از دست رفته و جبران اندکی از ستم روا شده گردیده، برطرف کند.

در هر حال حتی در صورتی که راه برای ایفای وظایف و مسؤولیت‌های ناشی از اصل ۱۱۲ قانون اساسی کما هو حقّه برای جناب‌عالی فراهم نباشد، دست کم انتظار می‌رود، از رهگذر رسیدگی هیأت به ادعاهایی از این دست، گزارشی از آنچه در پاسداشت اجرای قانون اساسی انجام داده‌اید، به اطلاع ملت برسانید. جناب‌عالی وکیل ملت در رعایت منافع و حقوق آنان هستید. کمترین انتظار موکلان، اطلاع از اقداماتی است که وکیل در اجرای خواسته‌های موکلان خود به انجام رسانده است، خواه این اقدامات به نتیجه رسیده باشند خواه نرسیده باشند. این مدعا که چنین شفاف‌سازی‌هایی در وضع قربانیان بی‌قانونی و ممانعت از خلافت‌کاری صاحبان قدرت عملاً مؤثر نیست، نمی‌تواند عذرخواه کوتاهی در عمل به کمترین حد از وظایف و مسؤولیت‌ها باشد. به علاوه اتفاقاً در عمل - از جمله در ماجرای وبلاگ نویسان - در جهت عکس شاهد بازدارندگی این گونه اطلاع‌رسانی‌ها بودیم.

بی‌تردید اگر از آغاز این روال در پیش گرفته شده بود و مردم به عنوان موکلان و افراد ذی‌حقی در موضوع، از آنچه بر سر قانون اساسی (یعنی بر سر تنها میثاق موجود میان آن‌ها و حکومت و تنها عامل مشروعیت‌دهنده به اعمال حکومت) آمد است، باخبر می‌شدند، وضع به گونه‌ای دیگر بود. چرا که قدرت بازدارندگی اطلاع یافتن مردم از

خلاقکارهای صاحبان قدرت (که نوعی خیانت در امانت قدرت و اگذار شده تحت همان میثاق محسوب می‌شود) بی‌گمان مجال بسیاری از ترک تازگی‌های صاحبان قدرت پلامنازع و بی‌مبنا را می‌گرفت و صحنه‌ی سیاسی کشور را به این وادی تیره نمی‌رساند. گرچه برای ایفای این کمترین حد از مسؤلیت‌ها جداً دیر شده، اما هنوز روزنه‌ی فرصتی باقی است. این آخرین فرصت‌ها را از دست ندهید.

حسین قاضیان

اردیبهشت ماه ۱۳۸۴

زندادان - اوین



بسمه تعالی

شماره ۸۴-۱۸۶

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۳۱

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۵۵۸۷ مورخ ۸۴/۳/۱۶ در خصوص تظلم آقای قاضیان، نامه نامبرده و پی‌نویس حضرت عالی در جلسه هیأت مطرح شد و خود آقای قاضیان نیز در جلسه حاضر شد و توضیحاتی داد. که در ملاقات حضوری روز دوشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۴ خدمتتان منعکس کردم. مهمترین نکته و درخواست فعلی ایشان پس از شرح ماجراهای منافی و ناقض بسیاری از اصول قانون اساسی که بر او گذشته و در نامه تقدیمی به جناب عالی بیان کرده و ناامیدی از جبران آن‌ها در سه امر زیر خلاصه می‌شود:

۱- محل نگهداری وی در زندان، محلی است که هر چند از لحاظ جغرافیایی جزء زندان اوین است ولی زندان رسمی شناخته شده نیست و لذا اسم وی و چند نفر دیگر که در این محل که ظاهراً به بند ۳۲۵ معروف بوده در آمار زندانیان اوین موجود نیست، خروج این زندانیان از زندان برای دوران مرخصی و برگشت و ورود آن‌ها به زندان صرفاً با همراهی نگهبان آن بند میسر است، این معنی در اظهارات آقای هدی‌صابر نیز که با آقایان علیجانی و رحمانی در همان محل زندانی است منعکس بود که جا دارد مورد توجه جدی قرار گیرد. وجود زندانی خارج از لیست زندان‌های رسمی سازمان زندان‌های کشور به خصوص در این زمان که مدت‌ها از اعلام رسمی قوه قضاییه مبنی بر نبودن زندان غیررسمی و خارج از کنترل و آمار رسمی سازمان زندان‌ها می‌گذرد توجیه قانونی ندارد، چون متأسفانه برای هیأت، بررسی بیشتر در خصوص صحت و سقم این ادعا میسر نیست، اگر صلاح بدانید از طریق نمایندگانی که با هماهنگی قوه قضاییه برای بررسی امور زندانیان تعیین فرمودید دستور فرمایید به طور جدی پیگیری و به این وضع خاتمه داده شود.

۲- آقای قاضیان در خصوص پرونده معروف به نظرسنجی به اتفاق آقای عبدی محاکمه شد در بخشی از پرونده ظاهراً به اتهام همکاری با دول متخاصم و جمع‌آوری اطلاعات ابتدا به مدت ۹/۵ سال زندان محکوم و در تجدید نظر محکومیت او به ۴/۵ سال تقلیل یافت و هم‌اکنون دارد این محکومیت را می‌گذراند، در بخش دیگر پرونده که به بند دال معروف شده با این که بیش از دو سال از محاکمه و ختم دادرسی او در این زمینه می‌گذرد هنوز هیچ حکمی دال بر تبرئه یا محکومیت او صادر نشده است.

آقای عبدی در همین قسمت به ۵ سال زندان محکوم شده که از این حیث پرونده‌ی ایشان در تجدیدنظر است و هنوز حکم تجدیدنظر صادر نشده است.

در حالی که در محکومیت قسمت اول آقای عبدی دادنامه تجدید نظر را دریافت نمود و خواستار رسیدگی مجدد در شعبه دیوان عالی کشور شده و شعبه تشخیص دیوان وی را از اتهامات تبرئه نموده (اگرچه مجدداً با درخواست تجدید رسیدگی دادستان تهران در شعبه مطرح است.) به آقای قاضیان رونوشت دادنامه تجدیدنظر تسلیم نشده و فقط از طریق دفتر آقای مرتضوی حکم صادره به رؤیت وی رسیده است و هم‌اکنون که از شعبه تشخیص دیوان کشور درخواست رسیدگی مجدد نموده. به لحاظ نقض پرونده یعنی عدم تسلیم رونوشت دادنامه فرجام خواسته به درخواست وی رسیدگی نمی‌شود و این امر در واقع محروم کردن یک شهروند از دادخواهی است که طبق اصل ۳۴ قانون اساسی حق مسلم هر شهروند است و ممانعت از آن نقض قانون اساسی به شمار می‌رود، که انتظار دارد با هر تمهیدی که جناب‌عالی می‌اندیشید این مشکل حل شود و درخواست رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور به جریان افتد.

۳- بسیاری از مدارک، اموال و اثاثیه و نوشته‌های وی را هنگام دستگیری با خود برده‌اند و به او تحویل نمی‌دهند، در حالی که اموال مزبور نه از طریق مجرمانه تحصیل شد و نه دلیل و مدرک جرم محسوب می‌شوند و به هر حال طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌بایست تکلیف آن‌ها از سوی مرجع قضایی روشن شود و اگر نباید ضبط و معدوم شوند، لازم است به صاحب آن مسترد گردد، و بنابراین نگهداری و عدم استرداد آن‌ها تعرض به مال غیر بدون مجوز قانون محسوب و موجب نقض اصل ۲۲ قانون اساسی می‌شود.

تا حدودی تفصیل اظهارات آقای قاضیان و نیز اظهارات آقای هدی صابر که در همان قسمت زندانی است حضوراً خدمت حضرت عالی بیان شد، و مکتوب اظهاراتشان را نیز ملاحظه فرمودید.

انتظار این است که در این فرصت پایانی دوران ریاست جمهوری و با تعامل خوبی که اخیراً با قوه قضاییه دارید، به هر نحو صلاح می‌دانید تمهیداتی برای حل و فصل ترتیباتی که مغایر قانون اساسی و تضییع‌کننده حقوق شهروندی افراد است اندیشیده شود.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۱۹۶۸۱

تاریخ ۸۴/۴/۱۴

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایردپناه  
رئیس محترم حوزه ریاست فقه قضاییه

با سلام

به پیوست عنیناً گزارش شماره ۸۴-۱۷۶ مورخ ۸۴/۲/۲۱ هیأت پیگیری و نظارت بر  
اجرای قانون اساسی و سوابق آن در خصوص تقاضای رسیدگی، به پرونده حسین  
فاضلیان، متضمن پی نوشت ریاست محترم جمهوری مبنی بر:

«عیناً جهت استحضار حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی به  
دفتر ایشان منعکس شود باشد که با عنایت ایشان اگر ظلمی  
صورت گرفته است (که به نظر من گرفته است) رفع ظلم و احقاق  
حقوق شود.»

جهت استحضار ریاست محترم فقه قضاییه ارسال می گردد.

سید علی خامنه ای

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی